



The Police Force of Iran, Its Organization and Structure in The Qajar Period(1796 – 1925)

Ali Rashidiyani Zarrini¹ | Fatemeh Janahmadi² | Mohammad Ghasri³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Purpose: To study and analyze the evolution of the structure, organization and equipment of the police force in the Qajar period.

Method and Research Design: Archival records and library resources were studied, described, and analyzed.

Findings and conclusions: The military and police training structures of the Qajar period began to modernize after the Russo-Iranian Wars. Elites such as Abbas Mirza, AmirKabir and Mirza Hussain Khan Sepahsalar accelerated this process. At that time, the modernization of law enforcement agency and its development became extremely important since public security and people's property and life protection, were among the priorities of political systems; however, various shortcomings were observed in its implementation. Swedish, Russian and English officer established modern law enforcement training in Iran based on modern and western police structures.

Keywords: The Qajar Period; Discipline; Gendarmeri; Police Forces; Structure; Organization.

Citation: Rashidian Zarrini, A., Janahmadi, F., & Ghasri, O. (2022). Transformation in structure and organization of law enforcement in Iran during the Qajar era (1796 – 1925). *Ganjine-ye Asnad*, 32(3), 38-65 | doi: 10.30484/ganj.2022.2947

1. PhD Student, Department of History, Islamic Azad University, Khomein Branch, Khomein, I. R. Iran, (Corresponding Author) ali.r.z.400@gmail.com

2. Professor, Department of History, Tarbiat Modarres University, Tehran, I. R. Iran janahmad2004@yahoo.com

3. Associate Professor, Department of Strategic Management, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran mo_ghasri324@yahoo.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«127»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2947

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | http://ganjineh.nlai.ir

Vol. 32, No.3, Autumn 2022 | pp: 38 - 65 (28) | Received: 21, Feb. 2021 | Accepted: 22, Mar. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیبیوی

مقاله پژوهشی

تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش) براساس اسناد تاریخی

علی رشیدیان زرینی^۱ | فاطمه جان احمدی^۲ | محمد قصری^۳

چکیده:

هدف: واکاوی تحول در ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار.

روش / رویکرد پژوهش: این پژوهش بر رویکرد توصیفی-تحلیلی متکی است و با استفاده از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای تبویب شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ساختار نظمیه و ژاندارمری و تحول در آموزش‌های انتظامی به تأسی از ساختارهای مدرن و غربی پلیس و توسط افسران سوئدی، روس و انگلیسی در ایران پایه‌گذاری شد. این اقدامات هم‌زمان با دوران گذار از سنت به مدرنیته در ایران آغاز شد و در سال‌های بعد گسترش یافت.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار؛ نظمیه؛ ژاندارمری؛ نیروهای انتظامی؛ سنت و مدرنیته.

استناد: رشیدیان زرینی، علی، جان احمدی، فاطمه، قصری، محمد. (۱۴۰۱). تحول ساختار نیروی انتظامی ایران در عصر قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ ش). *گنجینه اسناد*، ۳۲(۳)، ۳۸-۶۵

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۴۷

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد خمین، خمین، ایران،

(نویسنده‌مسئول)

ali.rz.400@gmail.com

۲. استاد، گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

janahmad2004@yahoo.com

۳. دانشیار گروه مدیریت راهبردی، دانشگاه

علوم انتظامی امین، تهران، ایران

mo_ghasri324@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۷

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۴۷

نمایه در: ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۱ | صص: ۳۸ - ۶۵ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های اصلی نظام‌های حکومتی ایران در طول تاریخ، برقراری امنیت در درون شهرها، نقاط دورافتاده، مناطق مرزی و ماندگاری آن بوده‌است. ناپایداری در اثر عوامل گوناگون، بر حیات سیاسی حکومت‌ها تأثیر منفی می‌گذاشت و آن‌ها را وادار می‌کرد تا تدابیری را برای مواجهه با ناامنی به‌کار بندند. در دوره قاجار نیز به‌سبب گسترده‌گی جغرافیایی کشور، وجود قبایل و عشایر گوناگون، راه‌های ناامن و ناهموار، تهاجمات مکرر ایلات به نواحی شهری و کاروان‌ها، ضعف نیروهای امنیتی، ساختار ناکارآمد نظام اداری، فقر و تنگ‌دستی و فشار مالی بر مردم به‌ویژه روستائینان، حضور قدرت‌های اروپایی و دخالت آن‌ها در امور داخلی و حتی دامن‌زدن به شورش‌ها و تمایلات جدایی‌خواهانه، جنگ‌های متعدد و شورش‌های شاه‌زادگان قاجاری به‌همراه ناامنی شهرها از سوی دزدان و راهزنان و اشرار، امنیت کشور در معرض خطر قرار داشت و ناامنی اجتماعی گریبان‌گیر جامعه بود. بنابراین برقراری امنیت در پایتخت و ایالات، راه‌ها و مرزها اهمیتی ویژه داشت و از چالش‌های عمده نظام قاجاری به‌شمار می‌رفت (ثواقب و معظمی، ۱۳۹۴، ص ۳۰). هرچند برقراری امنیت در کشور در تمامی دوره‌های تاریخی دغدغه‌ای دائمی برای حکومت‌ها بوده‌است، ولی این موضوع در دوره قاجار - به‌سبب شکست در جنگ با روسیه و حضور و نفوذ بیگانگان - اهمیتی دوچندان یافت.

حاکمیت نظام سنتی بر ساختار اداری ایران در دوره قاجار، هر تغییری را با کندی مواجه می‌کرد. یکی از دلایل این کندی موروثی بودن مناصب اداری در بین خاندان‌های متنفذ دیوانی بود؛ چون آموزش این‌گونه امور تجربی تنها از طریق این خاندان‌ها انجام می‌شد. بسیاری از افراد این خاندان‌ها در سلک کارکنان اداری نظام‌های سیاسی جدید هم وارد می‌شدند (خسروبیگی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). در ایجاد تحول ساختاری در عصر قاجار دو نهاد جدید اهمیتی ویژه داشت. اولین نهاد تأسیسی نظمی بود که محدوده فعالیتش تأمین امنیت شهرها بود و شهروندان مأموران آن را آژان خطاب می‌کردند. دومین نهاد تأسیسی ژاندارمری بود که جغرافیای مأموریت آن بیرون از شهرها، و مناطق دورافتاده و روستایی و مرزی بود و عوامل اجرایی آن ژاندارم نامیده می‌شدند.

هدف مقاله حاضر بازنمایی چگونگی تشکیل سازمان انتظامی ایران در دوره قاجار با استناد به اسناد تاریخی است.

پیشینه موضوع: بررسی مقدماتی در زمینه پیشینه موضوع حاضر نشان داد که تاکنون بررسی‌های علمی با اتکا بر اسناد تاریخی در زمینه ساختار انتظامی دوره قاجار انجام نشده‌است. هرچند در مقالاتی مانند:



۱. پیری، محمد. (۱۳۹۴). «دگرگونی در ساختار نیروهای نظامی پس از مشروطه و زمینه‌گیری ارتش نوین ایران». فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۴؛
 ۲. ثواب، جهان‌بخش؛ هادی، معصومه. (۱۳۹۴). «بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار». فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۴؛
 ۳. خسرویگی، هوشنگ. (۱۳۸۱). «مقدمه‌ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۳۶۴-۱۳۸۰ق)». نامه/نجم، تابستان ۱۳۸۱ (شماره ۶)
- به این موضوع اشاره شده است، ولی نقطه کانونی این مقالات عمدتاً بر موضوع تحول نظامی در دوره قاجار استوار است و از طرفی هم این پژوهش‌ها بر پایه اسناد تاریخی شکل نگرفته‌اند.
- بررسی‌های انجام‌شده در سایت‌ها و پایگاه‌های آرشیو مقالات نشان داد که در پژوهش‌های صورت گرفته، تفکیک دو موضوع نظامی و انتظامی از هم کار دشواری است و همچنین در مقالات مذکور به رویکرد اسنادی کمتر توجه شده است. مقاله حاضر با نگاهی میان‌رشته‌ای (تاریخی، مدیریتی، علوم پلیسی) تلاش دارد تا با پایبندی به موازین مطالعات تاریخی، ساختار پلیس در دوره قاجار و تحولات آن در دوران گذار سنت به مدرنیته را با اتکا بر علم مدیریت و علوم پلیسی بررسی کند.
- روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و اسنادی است و با استفاده از آثار و منابع کتابخانه‌ای که مقوم مطالعات سندی است تلاش خواهد کرد تا به این پرسش اساسی بپردازد که:
- ساختار نیروهای انتظامی ایران در عصر قاجار چگونه بوده و چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟
- گذار از ساختارها و کارکردهای سنتی انتظامی به ساختارهای مدرن انتظامی الزامات تاریخی و خاص خود را داشته است. ساختارهای پلیسی و انتظامی تا قبل از دوره قاجار به شدت تابع حوزه نظامی و به نوعی بخشی از آن بودند؛ ولی در دوره قاجار و تحت تأثیر شکل‌گیری ساختارهای مدرن در پلیس غرب و الگوپذیری ایران از این ساختارها با ساختارهای منفک‌شده پلیس از حوزه نظامی مواجهیم که در دهه‌های بعدی نمودی عینی‌تر می‌یابند. البته رویکردهای جدید در مدیریت اداری غربی مانند تمرکز، رسمیت و پیچیدگی در ساختارها با رویکردهای سنتی ساختار پلیس در ایران تفاوت زیادی داشته است که در این مقاله به آن بی‌توجه نبوده‌ایم.

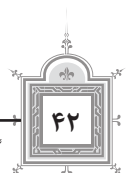
۲. انتظام سنتی در عصر قاجار

در دوره قاجار، حکام ایالات و ولایات، مستقیماً از طرف شاه یا صدراعظم تعیین می‌شدند. بین حکام و شاه رابطه‌ای دوسویه برقرار بود. حاکم زیر نظر مستقیم شاه بود و وظیفه اصلی‌اش جمع‌آوری مالیات و ارسال به‌موقع آن به دربار بود و در مقابل، برای به‌مزایده‌گذاشتن مسئولیت و مداخله در امور منطقه نفوذ خود آزادی و اختیاراتی داشت (ثواقب و هادی، ۱۳۹۴، ص ۸). البته شاه در برخی موارد در جزئی‌ترین موضوعات مرتبط با زیردستان حکام -از جمله کلانتر و کدخدا- هم رأساً دخالت می‌کرد. حاکم هر شهر مسئول تمام امور و حفظ نظم و امنیت شهر بود. مردمان شهرها به دسته‌ها و گروه‌های مختلف تقسیم می‌شدند و گاهی به ستیز و جدال با یکدیگر می‌پرداختند. روش حفظ امنیت و جلوگیری از این برخوردها در تمامی شهرها یکسان نبود و به‌کرات اتفاق می‌افتاد که حاکم شهر برای اعمال نفوذ در قسمت‌هایی از شهر قدرت نداشت. این موضوع از نگاه اروپاییانی که در این دوران به ایران می‌آمدند نیز دور نمانده‌است؛ به‌گونه‌ای که برخی از سیاحان نقل کرده‌اند: لوطیان یا دیگر افراد در بعضی از شهرها از نظامیان دولتی بیشتر قدرت دارند و آن‌ها را به حساب نمی‌آورند (دوید، ۱۳۸۸، ص ۶۲). حاکم شهر تهران این اختیار را داشت که در صورت خروج شاه از شهر، به ارگ سلطنتی برود و از آنجا بر شهر حکومت کند (بروگش، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳).

نیروهای انتظامی در دوره قاجار تا عصر ناصرالدین‌شاه به‌شکل سنتی و در قالب‌های زیر در شهرها و ولایات فعالیت می‌کردند:

الف. کلانتر

در حوزه وظایف کلانتران عهد قاجار، نسبت به کلانتران دوره صفوی تغییری محسوس به‌وجود نیامد. کلانتر که زیر دست بلافاصله حاکم بود، منصبی به‌جامانده از زمان ایل‌خانان بود. کلانتر رابط میان مردم و دربار بود و معمولاً کسی کلانتر انتخاب می‌شد که مقبول مردم و از افراد متنفذ محلی باشد و این خود بیانگر وابستگی حکومت به خانواده‌های متنفذ محلی بود. کلانتر از نظر موقعیت اجتماعی مقامی کشوری محسوب می‌شد و در بیشتر شهرها منصبی موروثی بود. این حقیقت از آنجا آشکار می‌شود که القاب بعضی از خانواده‌های ایرانی در شهرهای مختلف کلانتر یا کلانتری بوده‌است؛ مانند خاندان میرزاابراهیم‌خان اعتمادالدوله و خاندان قوام در شیراز، خاندان دنبلی در تبریز، خانواده میرزاقیاس کلانتر در کاشان، بازماندگان میرزا محمدرحیم حکیم‌باشی در اصفهان و... (کیان‌فر، ۱۳۸۹، ص ۶۷).



ب. داروغه

در دوره قاجار از منصب داروغه بازار یاد شده است؛ بدین نحو که در هر بازار یک داروغه حکومت می‌کرد و افرادی را در اختیار داشت که به منزله پلیس بازار به‌شمار می‌رفتند (بروگش، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳). دارنده این منصب را که نوعی مأمور پلیس خاص بود، حاکم شهر اغلب از میان یکی از خانواده‌های مهم محلی برمی‌گزید. وظایف داروغه اجرای دستورات حاکم و کلانتر یا شهردار و ختم کردن درگیری‌ها، نظارت بر اوزان و مقیاس‌ها، ایجاد نظم و ترتیب در بازار و نظارت بر اخلاق عمومی در قلمرو بازار، به‌ویژه نظارت بر روسپی‌خانه‌ها و مراکز فساد بود (فلور، ۱۳۶۶، صص ۶۸-۶۹).

ج. میرشب یا گزمه

میرشب (مخفف امیر شب) را رئیس نظمیه، شحنه، عَسَس، شبگرد (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۸۹) و گزمه را شبگرد، عَسَس و پاسبان شب معنا کرده‌اند (معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۳۰۹). میرشب موظف بود افرادی را که پس از غروب آفتاب از خانه‌های خود بیرون می‌آمدند، دستگیر کند و از دزدی جلوگیری کند. او مسئول هر نوع دزدی بود و ناگزیر می‌بایست عین مال دزدیده‌شده یا معادل آن را با پول بپردازد (فلور، ۱۳۶۶، صص ۳۴-۳۵).

د. قراول

قراول به معنی نگاهبان، مستحفظ، پاسدار و دیده‌بانی که در برج و باروی اطراف شهر و جاده‌ها به مراقبت می‌پردازد یا سربازی که در محلی کشیک و نگهبانی می‌دهد آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، صص ۲۶۵۴-۲۶۵۵). در عصر قاجار، به راهنمایی میرزاتقی خان امیرکبیر که صدارت ناصرالدین‌شاه را در اوایل سلطنت او برعهده داشت، در شهرها قراول‌خانه تأسیس شد که نگاهبانان این قراول‌خانه‌ها را قراول می‌گفتند. امیرکبیر در نظم و امنیت پایتخت و سایر بلاد، تعمیر و بازسازی راه‌ها، برانداختن رسم جور و ظلم و تاخت‌وتاز و چپاول و تطاول، بنای چاپارخانه و مهمان‌خانه و ایجاد قراول‌خانه، تلاشی گسترده انجام داد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۱؛ ظل‌السلطان، ۱۳۶۲، ص ۳۱۴). سازمان انتظامی ایران در ابتدای دوره قاجار تا عصر ناصرالدین‌شاه ادامه همان شیوه دوره صفویان بود. هریک از محلات شهر، نیروی انتظامی خود را داشت و از نگاهبان روز، نگاهبان شب و نگاهبان بازار یاد شده است. در رأس ادارات گوناگون، شهردار، نظمیه، بیگلربیگی یا کلانتر وجود داشت (فلور، ۱۳۶۶، صص ۳۰-۳۴). نظمیه مختص دارالخلافه (تهران) بود. سلاطین قاجار به تقلید از پادشاهان صفوی، مانند سلاطین عثمانی که خود را

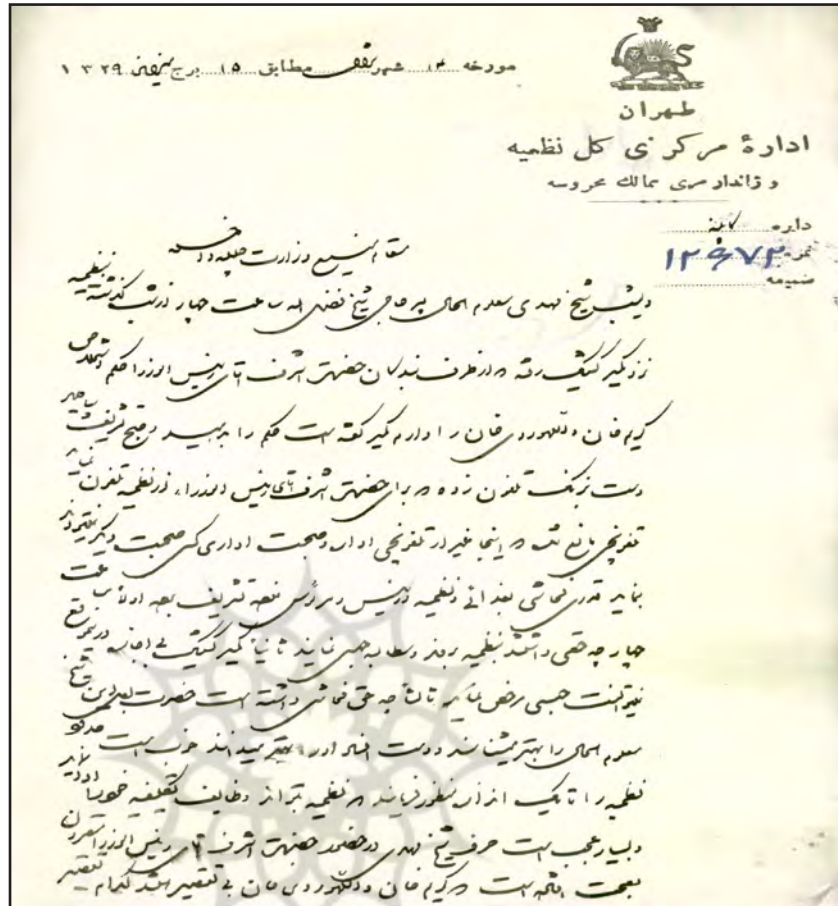
خلیفهٔ مسلمین و امر خود را برای مسلمانان لازم‌الاجرا می‌دانستند، داعیهٔ خلافتی مذهبی داشتند. آن‌ها به‌علت دریافت تنفیذ از طرف علما برای اعمال حاکمیت در کشور و هم‌چنین نبودن قوانین مدون عرفی، خود را مجری احکام مذهبی و ناظر بر اجرای آن احکام می‌دانستند و خود را خلیفه و پایتخت را دارالخلافة می‌خواندند (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

۳. انتظام مدرن در عصر قاجار

تا سال ۱۲۵۶ ش/ ۱۲۹۴ ق یعنی تاریخ دومین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا از تأسیس اداره‌ای مدرن به‌نام پلیس نشانه‌ای در دست نیست. هم‌چنین اداره‌ای که امور انتظامی تهران و شهرهای بزرگ را به‌صورت متمرکز زیرنظر داشته بوده باشد نیز قابل‌مشاهده نیست. تشکیلات نظمیه اولین بار به‌سبب پلیس غربی به دورهٔ ناصرالدین‌شاه و سفر فرنگ او و آمدن «کنت دومونت فورت» به ایران برمی‌گردد. ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به فرنگ وقتی از شهر وین بازدید کرد، خیلی تحت‌تأثیر نظم و ترتیب پلیس وین قرار گرفت و از امپراتور اتریش خواست تا افسری را برای آموزش ایجاد چنین نظمیه‌ای به ایران اعزام کند. دولت اتریش نیز کنت دومونت فورت را معرفی کرد؛ او در سال ۱۲۹۵ ق/ ۱۲۵۷ ش به ایران آمد (تهرانی شفق، ۱۳۸۱، ص ۹۳). ظاهراً شخص نامبرده سروان ایتالیایی فراری از وطن بود (حکیمی، ۱۳۷۴، ص ۵۰). پس از تدارک مقدمات کار، نخستین تابلو نظمیهٔ تهران، در سردر عمارتی واقع در ابتدای خیابان الماسیه (باب همایون) نصب شد. نظمیه در دوران کنت از نظر تابعیت سازمانی جزو دوایر سازمان حکومت تهران بود و از این‌رو تمام اخبار به اطلاع کامران‌میرزا نایب‌السلطنه می‌رسید و اخبار سایر ولایات نیز از مسیر نظمیه به وزیر داخله منتقل می‌شد. در پیوند با چنین نگرشی و بر مبنای نامهٔ ارسالی ادارهٔ مرکزی کل نظمیه خطاب به وزارت جلیلهٔ داخله، نحوهٔ برخورد افراد و رجال سیاسی با اقدامات نظمیه مورد انتقاد قرار گرفته و از وزارت‌خانه درخواست رسیدگی شده‌است.

رتال جامع علوم انسانی





سند ۱

(ساکها، ۰۰۰۳-۱۶۷۹-۰۰۰۳-۲۹۳)

کنت دومونت فورت پس از تشکیل پلیس، ساختار اولیه‌ای را به شرح زیر برقرار کرد:

۱. یک معاون (عباس قلی خان)؛
۲. رئیس تحقیقات و دعوای (میرزا زین العابدین خان کاشی)؛
۳. صاحب منصب اول پلیس (عبدالحسین خان).

۱. جرج ناتانیل کرزن (۱۸۵۹-۱۹۲۵ م) از سیاستمداران و رجال معرف بریتانیا و ایران‌شناس بود. لرد کرزن در ۱۹۱۹ (یک سال پس از پایان جنگ جهانی اول) در زمان وزارتش در امور خارجه سیاستی را اجرا کرد که بر اثر آن نزد ایرانیان منفور شد. در آن تاریخ به اشاره او میان وثوق‌الدوله نخست‌وزیر ایران و سرپرسی کاکس نماینده دولت بریتانیا قرارداد ۱۹۱۹ به امضا رسید که مقامات انگلیسی را ناظر بر سازمان‌های ارتشی و دارایی ایران می‌کرد. او کتابی هم با عنوان «ایران و قضیه ایران» در سال ۱۸۹۲ م تألیف و منتشر کرده‌است.

گویا لباس پلیس ایران شبیه لباس پلیس وین بوده‌است (ورهرام، ۱۳۶۸، ص ۳۳۵). یونیفرم پلیس ایران در دوره کنت سورمه‌ای سیر با یقه بلند و بسته و دکمه برنجی شیروخورشید، با شلوار آبی کم‌رنگ، و کلاه‌ای از پوست با نشان شیروخورشید بوده‌است (تهرانی شفق، ۱۳۸۸، ص ۹۸). جرج ناتانیل کرزن^۱ در پاییز ۱۸۸۹ م/۱۲۶۷ ش به‌عنوان خبرنگار روزنامه‌تایمز به ایران آمد. او درباره وضعیت، تشکیلات و وظایف پلیس در این دوره می‌نویسد: این نفرات پلیس پیوسته در پاسدارخانه - که در سراسر شهر پراکنده‌است - دیده می‌شوند و اینفورم سیاه با یقه و سردست مخملی بنفش بدون شک بسیار جالب و



زیباست (کرزن، ۱۳۷۳، ص ۴۳۹). کنت در سال ۱۲۹۶ق/۱۲۵۸ش برای آنکه اداره پلیس قانون داشته باشد و مردم و افراد پلیس از وظایف اداره جدید آگاه باشند و حدود اختیارات پلیس معلوم باشد، نظام‌نامه‌ای را تنظیم کرد و به شاه تقدیم داشت. ناصرالدین شاه نظام‌نامه کنت را توشیح کرد و ضمن فرمانی به کامران میرزا نایب‌السلطنه (حکمران تهران) دستور داد که آن را اجرا کنند؛ این نظام‌نامه بعدها به کتابچه قانون کنت معروف شد (افتخارزاده، ۱۳۷۷، صص ۱۵-۱۶). کتابچه کنت یک مقدمه و ۵۸ ماده داشت که در مقدمه آن وظایف پلیس و قوانینی در زمینه توطئه علیه خانواده سلطنتی، اعمال منافی عفت، جنحه، جنایت برضد دولت و مذهب، سرقت و توهین به مأموران دولت و هم‌چنین وظایف مستخدمان و نوکران در قبال اربابانشان درج شده بود (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۷۱). در همین دوره، شرح‌نویسی، مراسلات و گزارش‌های نظامیه روندی جدی‌تر به خود گرفت که نمونه‌ای از آن در پی می‌آید:

شماره	تاریخ	شرح مراتب	شماره
۴۷	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۴۷
۴۷	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۴۷
۴۸	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۴۸
۴۹	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۴۹
۵۰	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۰
۵۱	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۱
۵۲	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۲
۵۳	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۳
۵۴	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۴
۵۵	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۵
۵۶	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۶
۵۷	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۷
۵۸	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۸
۵۹	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۵۹
۶۰	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۶۰
۶۱	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۶۱
۶۲	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۶۲
۶۳	۱۸۹۱	کتابچه شرح وظایف و حدود اختیارات پلیس	۶۳

سند ۲

(سا،کا، ۰۰۲-۰۰۶۵۴۹-۲۹۳)



سازمان اداری پلیس در آن عصر از سازمان اداری پلیس وین تقلید شده بود و شامل اجزای زیر بود:

وزارت نظمیه؛ دفتر محاکمات وزارت نظمیه؛ دایره محاکمات و دعاوی؛ دفتر ثبت اسم و مسروقات؛ مأمور ابلاغ احکام همایونی به نظمیه؛ رئیس گردش شهر و نظم و ترتیب؛ رئیس فوج مأموران نظمیه دارالخلافه؛ رئیس دارالانشاء؛ رئیس مجلس تحقیق و استنطاق؛ منشی روزنامه جات؛ نایب اول مجلس استنطاق؛ محقق وزارت نظمیه؛ رئیس تدارکات و ملبوس (کریمیان، ۱۳۹۵، ص ۶). با توسعه شهر تهران و افزایش جمعیت، کنت بر اداره‌ها و مناصب جدید سازمان پلیس تهران افزود و در سال ۱۳۰۶ ق/۱۲۶۸ ش یعنی پس از یازده سال، ادارات زیر به تشکیلات نظمیه اضافه شدند: نایب کل اداره پلیس؛ مستشار اول اداره؛ کلانتر و مستشار اداره؛ ناظم مأموران اداره؛ داروغه بازار؛ منشی باشی اداره؛ رئیس مخزن اداره؛ منشی اطاق جنایات و منشی راپورت‌های شهر؛ (اشراقی، ۱۳۶۸، ص ۳). پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ ش/۱۳۱۳ ق، نظمیه تهران در زمان مظفرالدین شاه به صورت وزارت خانه درآمد که البته هیچ گاه به شکل واقعی وزارت خانه نشد؛ چون فقط به شکل تشریفاتی به مسئول دستگاه نظمیه، وزیر پلیس هم می گفتند و این وزیر هیچ گاه مجاز نبود در تشکیلات حاکمیت شرکت کند (سیفی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۶). هم‌زمان با نهضت مشروطه تا حدود سیزده سال بعد از آن ریاست پلیس شهر یا همان نظمیه برعهده ایرانیان بود. پس از اجرای فتح تهران به دست مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۷ ق/۱۲۸۷ ش پیرم خان ارمنی از سران مجاهدین به ریاست نظمیه منصوب شد، پیرم خان تهران را به شش کمیساریا تقسیم کرد:

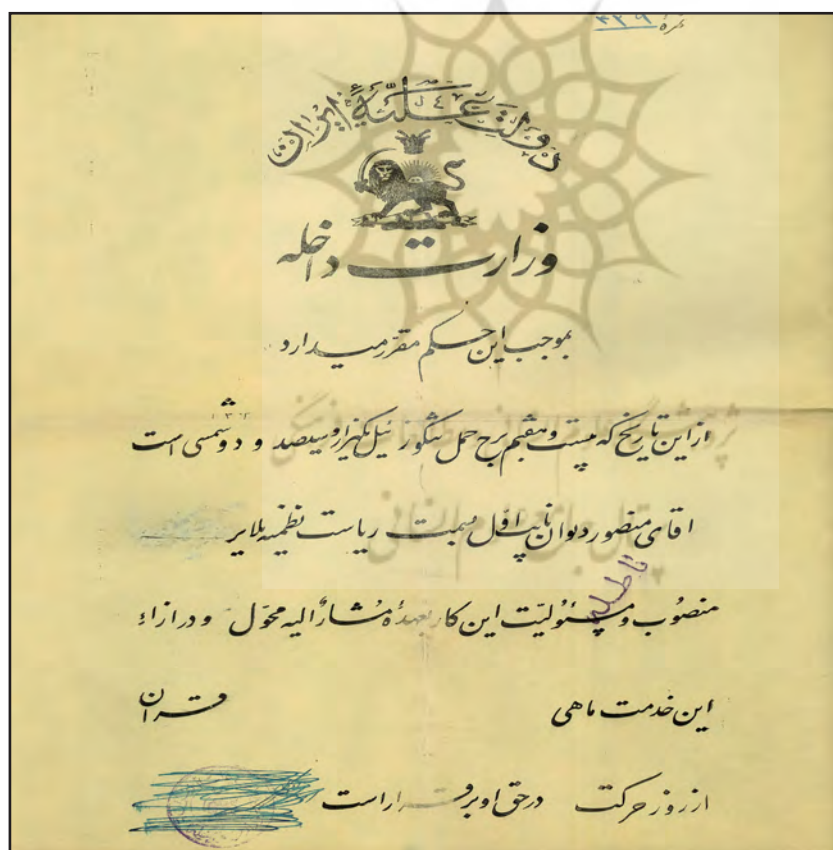
۱- کمیسر محله چاله میدان، گذر یحیی خان، خانه وقایع نگار؛ ۲- کمیسر محله عودلاجان، سر سه راه پامنار؛ ۳- کمیسر بازار، عباس آباد؛ ۴- کمیسر داروغه، کوچه چارسوق کوچک؛ ۵- کمیسر سنگلج، خیابان فرمان فرما؛ ۶- کمیسر ژاندارم (تهرانی شفق، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۹). از آنچه در منابع نمود پیدا کرده است روشن است که در مدتی که نظمیه در دست ایرانیان بوده اقدام چشم گیری توسط نظمیه انجام نشده است. در نهایت در سال ۱۲۹۱ ش/۱۳۳۰ ق دولت به فکر افتاد تا مجدداً از افسران اروپایی برای سروسامان دادن به وضع نظمیه کمک بگیرد.

به طور کلی مستشاران خارجی در طول خدمتشان در ایران انتظام و انضباط جدیدی را در تشکیلات پلیس به وجود آوردند بانام نظمیه جدید که در آن مأموران نظمیه را پلیس می نامیدند. آن‌ها در طول مدت اقامتشان در ایران عده ای افسر ایرانی را نیز به خدمت گرفتند. سوئدی‌ها از سال ۱۲۹۱ ش-۱۳۰۲ ش / ۱۳۳۰ ق-۱۳۴۱ ق یعنی حدود ۱۱ سال

ریاست نظمیه جدید را در دست داشتند. ولی در نهایت در کودتای ۱۳۳۸/ش/۲۹۹. رضاخان اولین هدف را اداره نظمیه و کمیساریاها قرار داد و به مکان نظمیه مرکزی در میدان توپخانه حمله کرد و سقف ساختمان را با توپ ویران کرد و آرام آرام تا سال ۱۳۰۲/ش/۱۳۴۱ق به خدمت سوئدی‌ها پایان داد و نظمیه را زیر نظر وزارت جنگ درآورد (تهرانی شفق، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

در ساختار نظمیه زمان قاجار توجه به رسمیت در ساختار انتظامی کشور بیش از پیش شد که این موضوع در احکام صادره از نظمیه برای افرادی که در شهرستان‌ها حکم ریاست می‌گرفتند نمود دارد.

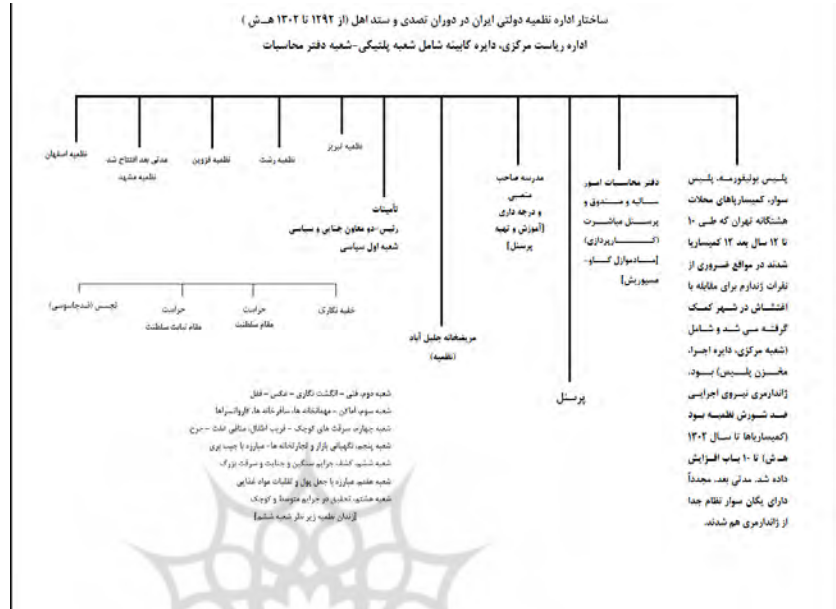
رسمیت در ساختار انتظامی به این معنا بود که مرکز (پایتخت) بر تمامی امور انتظامی تسلط داشت و احکام رؤسای نظمیه یا ژاندارمری را کتباً شخص رئیس نظمیه یا ژاندارمری کل کشور برای آن‌ها صادر می‌کرد. در این روش وفاداری به ارکان سازمان انتظامی (سلسله مراتب) بیشتر بود.



سند ۳

(ساکها، ۲۹۰۰۰۰۱۱۷۹-۰۰۳)

در ارزیابی کلی، ساختار مدرن نظمیه در دوره وستداهل سوئدی شکل گرفت که نمودار آن به شرح زیر است:



شکل ۱

ساختار نظمیه دوره قاجار (برگرفته
از: سالور، ۱۳۵۵، ص ۲۶).

این تشکیلات نشان دهنده آن است که برای اولین بار در ایران ساختاری مدرن در پلیس ایجاد شده بوده است که دارای رسمیت و تابعیت سازمانی مشخص و تشکیلاتی مشابه با ساختارهای پلیسی مدرن در دنیا و به ویژه اروپا بوده است.

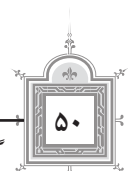
۴. آغاز آموزش های مدرن انتظامی

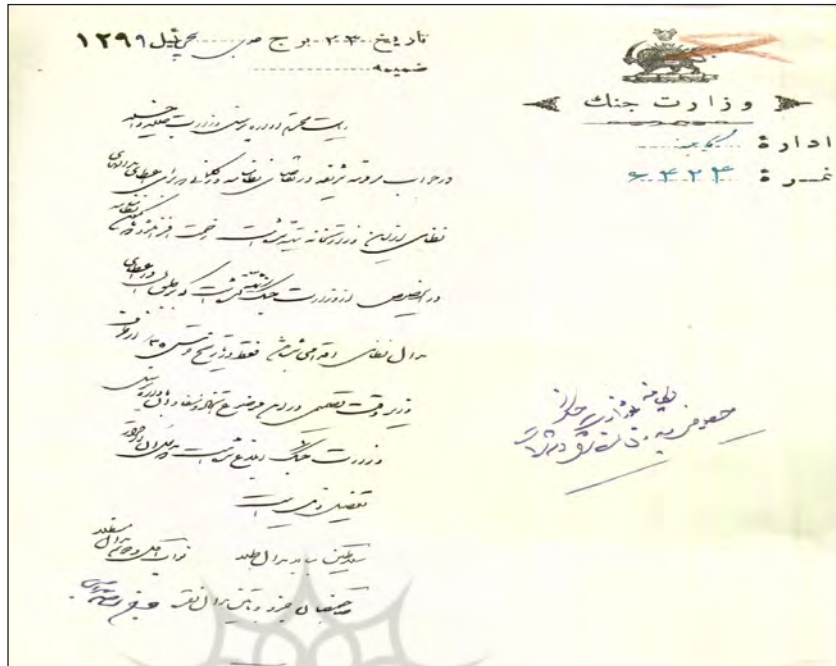
در اوایل دوره قاجار و در جریان جنگ های ایران و روسیه، دولت مردان ایران بیش از پیش به ضعف های مفرط سازمان نظامی پی بردند و در صدد چاره جویی برآمدند. بدین منظور عباس میرزا چند تن از ایرانیان را برای فراگیری علوم و فنون جدید به اروپا اعزام کرد و افزون بر آن از مستشاران خارجی، از جمله از ژنرال گاردان فرانسوی دعوت کرد تا نظامیان ایران را آموزش دهد. در اقدامی بنیادی تر، میرزاتقی خان امیرکبیر، نخستین صدراعظم ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۶۶/ق/۱۲۲۹ش «مدرسه دارالفنون» را برای تربیت نیروی نظامی، قشون منظم و تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور تأسیس کرد. کامران میرزا نایب السلطنه فرزند دوم ناصرالدین شاه - که مسئولیت وزارت جنگ ایران را به عهده داشت - در سال ۱۳۰۳/ق/۱۲۶۵ش «مدرسه نظام» دیگری، مانند دارالفنون، بنا نهاد. این

مدرسه تا اوایل انقلاب مشروطیت فعال بود و سرانجام به مدرسه «کادت» تبدیل شد (یکرنگیان، ۱۳۸۴، صص ۸۳-۸۴). وقتی از مدارس نظامی صحبت می‌شود روشن است که منظور تربیت نیروی نظامی برای قشون ارتش است و تا آن زمان آموزش نیروی نظامی (نظمیه، شهربانی) هنوز شکلی مستقل نداشته‌است.

در دوره مظفرالدین‌شاه، هنگامی که سرهنگ چرنوزویوف فرماندهی بریگاد قزاق را به‌عهده داشت، در سال ۱۲۸۲ش/۱۳۲۱ق مدرسه‌ای نظامی برای فرزندان افسران این بریگاد تشکیل شد که پس از تبدیل بریگاد قزاق به دیویزیون قزاق، این آموزشگاه به‌نام مدرسه دیویزیون قزاق نامیده شد. این مدرسه ابتدا پنج کلاس داشت؛ ولی در سال‌های ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴ش / ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ق کلاس‌های ششم و هفتم نیز به آن افزوده شد. مدرسه یادشده به دو شعبه تقسیم شد و شعبه بالا برای فرزندان افسران و شعبه پایین برای فرزندان درجه‌داران اختصاص یافت. در سال ۱۲۸۹ش/۱۳۲۸ق ژنرال وادبولسکی مدرسه دیگری به‌نام «مدرسه افراد» برای فرزندان قزاق‌ها تأسیس کرد. فارغ‌التحصیلان این آموزشگاه با درجه گروهبانی در پادگان‌ها در قسمت «صف» خدمت می‌کردند. هم‌چنین در سازمان قزاق آموزشگاه دیگری تأسیس شد به‌نام «اوپچینی کامان» که افزون‌بر فرزندان قزاق‌ها، افراد کم‌سواد را هم می‌پذیرفتند و آموزش می‌دادند (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲-۲۲۳). فرماندهان سوئدی ژاندارمری به نظام‌مندشدن قوای انتظامی ایران توجه ویژه داشتند. بخشی از این توجه تشویق نیروها از مسیر وزارت داخله بود. برای نمونه دو سند تأیید تشویق از مسیر وزارت جنگ برای فرماندهی انتظامی و درخواست والی وقت بنادر و جزایر خلیج فارس خطاب به نظمیه کل کشور برای تشویق رئیس نظمیه بنادر و جزایر خلیج فارس در پی آمده‌است.

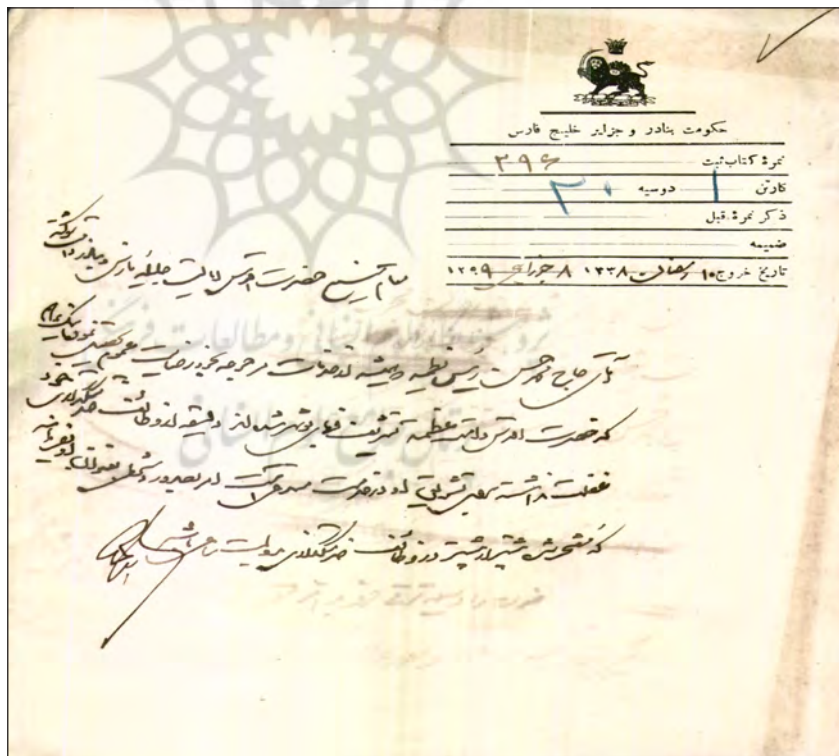
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





سند ۴

(ساگما، ۰۰۱۶۲-۰۰۸۱-۲۹۲)



سند ۵

(ساگما، ۰۰۶۹۹-۰۰۰۴-۲۹۲)



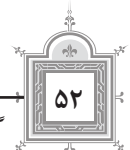
در حوزه آموزشی افزون بر مدارس پیش گفته، مدرسه دیگری هم به نام مدرسه صاحب‌منصبان ژاندارمری تأسیس شد؛ با این تفاوت که دوره آموزشی این مدرسه ۸ ماه بود و یک واحد درسی به نام «آموزش پلیس مخفی» به برنامه دروس آن افزوده شده بود و تعدادی از افسران تحصیل کرده صف را نیز آموزش می‌داد. فرماندهان سوئدی در سال ۱۲۹۱ش/۱۳۳۰ق برای تربیت درجه‌داران ژاندارم، آموزشگاه‌هایی را بانام «سوزافیسیه» در شهرهای شیراز، قزوین، اصفهان و مشهد تأسیس کردند.

نمونه‌ای مناسب از مدرن‌سازی ساختار نیروهای انتظامی در ایالات و ولایات تشکیلات نظمیه رشت بود. تشکیلات نظمیه در رشت و گیلان از نظم و نسق مناسبی بهره می‌برد که در اسناد ثبت شده آن دوره قابل مشاهده است. برای نمونه میزان بودجه و نیازمندی‌های نظمیه رشت به‌طور کامل و با جزئیات به نظمیه کل کشور ارسال می‌شد که نشان‌دهنده توجه به سلسله‌مراتب و تابعیت تشکیلاتی در پلیس است.

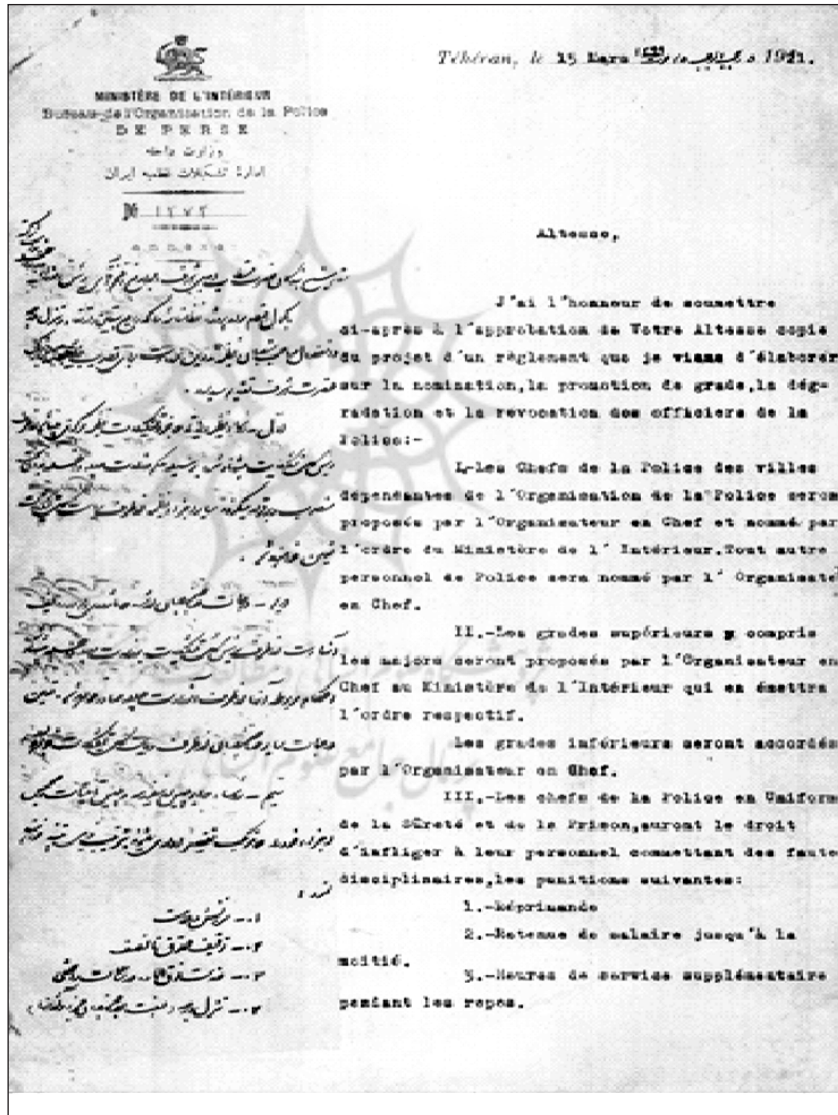
رشت		مخارج عادی	
بسخه	بسخه	بسخه	بسخه
۷۰۰	۸۳۰۰	۷۰۰	۸۳۰۰
۶۰۰	۷۲۰۰	۶۰۰	۷۲۰۰
۵۰۰	۶۰۰۰	۵۰۰	۶۰۰۰
۴۰۰	۴۸۰۰	۴۰۰	۴۸۰۰
۳۰۰	۳۶۰۰	۳۰۰	۳۶۰۰
۲۰۰	۲۴۰۰	۲۰۰	۲۴۰۰
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰
۵۰	۶۰۰	۵۰	۶۰۰
۲۵	۳۰۰	۲۵	۳۰۰
۱۲	۱۵۰	۱۲	۱۵۰
۶	۷۵	۶	۷۵
۳	۳۷	۳	۳۷
۱	۱۸	۱	۱۸
۰	۹	۰	۹
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰

سند ۶

(ساکما، ۰۰۲۰-۰۲۳۲-۰۰۲۹۳)

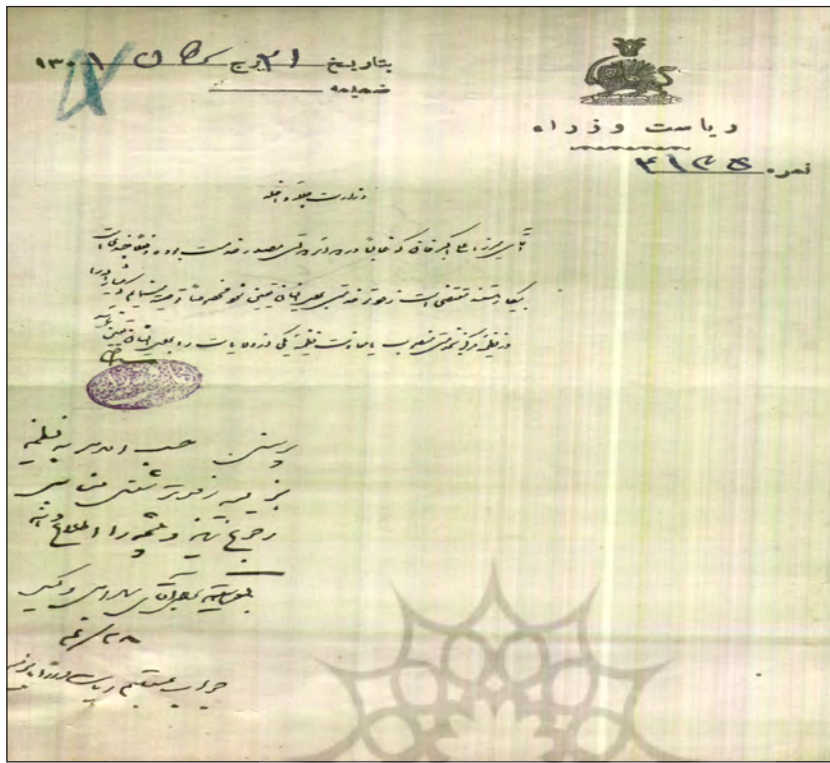


قاعده‌مند شدن نظمیه و مدرن‌سازی آن پس از تقویت حوزه‌های آموزش پلیس در کشور به سایر مباحث نیز تسری پیدا کرد. برای نمونه وستداهل رئیس کل نظمیه زمان قاجار نظام‌نامه تعیین ارتقا و تنزل درجه و انفصال صاحب‌منصبان نظمیه و شهربانی را به دو زبان فارسی و فرانسه تدوین کرد و تأیید و توشیح آن را از وزیر داخله خواستار شد. دو سند زیر گواه این موضوع هستند.



سند ۷

(سا.کا، ۰۰۰۵۸۷۸۰۰۰۰۵)



سند ۸

(ساکها، ۲۴-۰۰۶۵۴۹-۰۰۲۴)

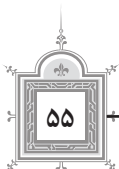
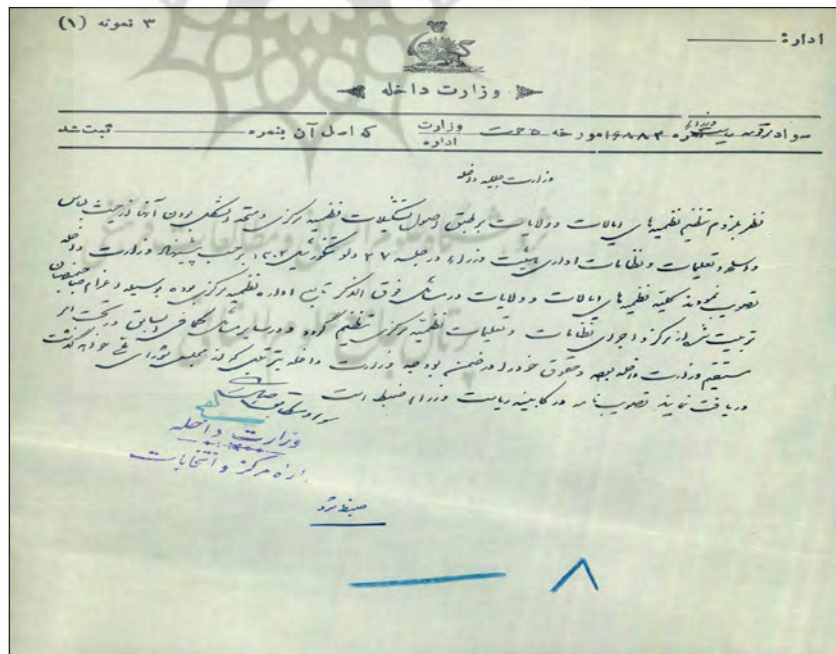
۵. تأسیس ژاندارمری

تحولات دوره مشروطه و تصویب قانون تأسیس ژاندارمری توسط مجلس دوم (۱۲۹۰ش/۱۳۲۹ق) نشانگر تلاش مهمی بود که به دست نمایندگان ملت ایران برای ایجاد قوای انتظامی ملی قدرتمند و پاسخگو در برابر مقامات دولت ایران انجام شد. در نخستین سال‌های مشروطیت، نیاز به نیروی نظامی متمرکز و کارآمدی که بتواند مشروعیت دولت مرکزی را در سرتاسر ایران تثبیت کند عمیقاً احساس می‌شد. تحولات دوره مشروطه موجب شد تا مشکلات ناشی از نبود نیروی مسلح قابل اعتماد بیش از پیش نمایان شود. تأسیس ژاندارمری دولتی تاحدودی در پاسخ به فشار انگلیس انجام شد و در طول سال‌های اولیه، این نیرو همواره از حمایت انگلیس مطمئن بود. البته ژاندارمری پس از مشورت‌هایی بین سه دولت روسیه، انگلستان و ایران تأسیس شد. لیکن در آن زمان هیچ شرطی مبنی بر تعیین تعداد نفرات و یا مناطق مجاز فعالیت این نیروی جدید تعیین نشد. دولت ایران امیدوار بود که ژاندارم‌ها مجاز باشند وظایف محوله را در سراسر کشور انجام دهند (کرونین، ۱۳۸۳، ص ۵۲). در مجموع ژاندارمری دولتی ایران



از هنگام تأسیس تا ۱۳۴۰ق/۱۳۰۱ش که جزو ارتش متحدالشکل شد، چهار دوره متمایز را به شرح زیر از سر گذرانند:

- ۱- دوره پیدایش و شکل گیری (۱۳۲۹-۱۳۳۲ق/ ۱۲۹۰-۱۲۹۳ش)؛
 - ۲- دوره تزلزل و بلا تکلیفی (۱۳۳۳-۱۳۳۴ق/ ۱۲۹۴-۱۲۹۵ش)؛
 - ۳- دوره ای که ژاندارمری امنیه خوانده می شد (۱۳۳۴-۱۳۳۶ق/ ۱۲۹۵-۱۲۹۷ش)؛
 - ۴- دوره تجدید سازمان (۱۳۳۶-۱۳۴۰ق/ ۱۲۹۷-۱۳۰۱ش) (قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۲۲).
- بنیان گذار اولین واحد ژاندارمری، مورگان شوستر آمریکایی بود که از سوی دولت به عنوان خزانه دار کل استخدام شده بود و امور مالی کشور زیر نظرش قرار گرفته بود. او برای وصول کامل مطالبات دولتی، سازمان اجرایی نظامی ای را به نام «ژاندارمری خزانه (۱۹۱۱م/ ۱۲۸۹ش)» تأسیس کرد. اقامت او در ایران و اقدامات اصلاحی اش چند ماهی بیشتر طول نکشید و با اولتیماتوم روس و قبول آن از طرف دولت ایران، شوستر ایران را ترک کرد و در پی آن ژاندارمری خزانه هم منحل شد (شمیم، ۱۳۷۹، ص ۵۷۷؛ شوستر، ۱۳۶۵، صص ۸۹-۹۰). ماده ۳۵ تشکیل ایالات و ولایات قانون اساسی مشروطه، حاکمان را موظف کرده بود تا امنیت، جان و مال اهالی را در شهرها و دهات و نیز در راهها حفظ کنند (مجموعه قوانین، بی تا، ص ۴۲). بررسی سند وزارت داخله درباره تشکلات نظامیه در کشور و تشریح وظایف و متحدالشکل شدن آن مؤید چنین مطلبی است.

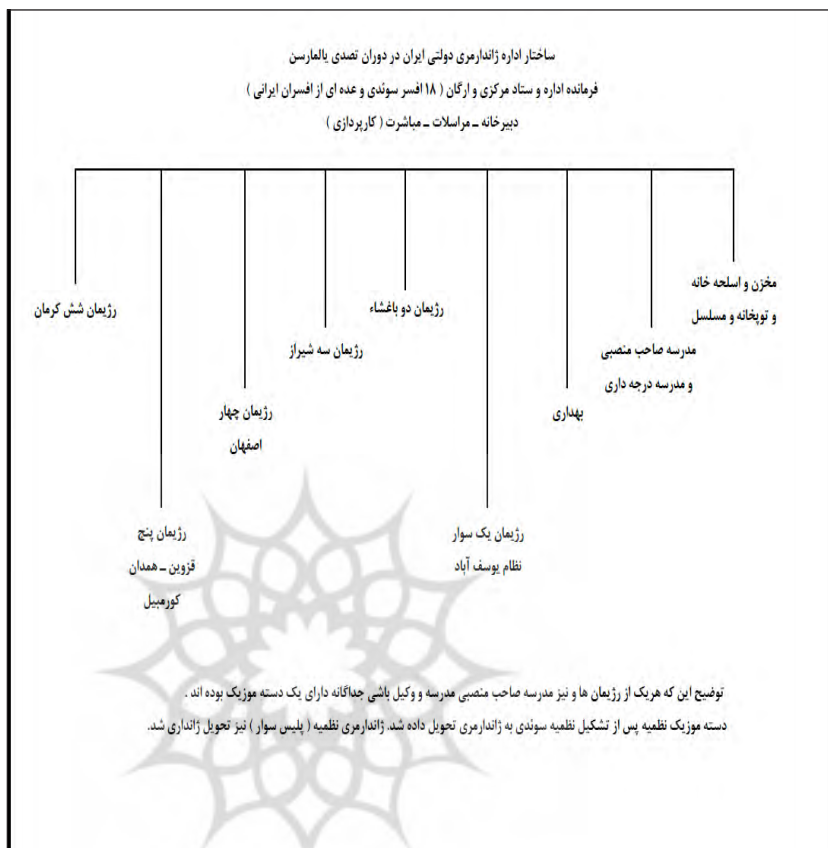


مدت کوتاهی پس از به توپ بستن مجلس هرج و مرج آغاز شد و سردرگمی از نبود قدرت مرکزی چنان شد که نه تنها حاکمان محلی از تأمین امنیت فراماندند، بلکه در مرکز مملکت هم کار به جایی رسید که یکی از روزنامه‌ها در این باره نوشت: «تجارت اصفهان به کلی مسدود شده است؛ چراکه از اصفهان به هر نقطه بخواهید بروید، دزد پشت دزد ایستاده است. مال التجاره سهل است، پست دولتی و کاغذ خشک و خالی هم به سلامت عبور و مرور نمی‌کند».

باتوجه به این تهدیدات سرانجام دولت ایران تصمیم گرفت ژاندارمری دولتی را تأسیس کند و برای انجام این مقصود به کشورهای ایتالیا، آلمان، فرانسه، سوئیس و سوئد پیشنهاد داد که برای این کار مستشار نظامی در اختیار ایران قرار دهند. از بین این کشورها سوئد جواب مثبت داد و در نهایت پس از تصویب طرح استخدام مستشار از خارج هیئت افسران سوئدی به ریاست سرهنگ یالمارسون به ایران آمدند و ژاندارمری دولتی را پایه‌گذاری کردند (نخجوان، ۱۳۵۴، ص ۱۷۲). دولت سوئد از میان افسران داوطلب خدمت در ژاندارمری سه نفر را انتخاب و به وزارت خارجه ایران معرفی کرد. این سه افسر سروان هارولد اوسیان یالمارسون و ستوان هوگو اوسکار شلدبران افسران پیاده و ستوان کارل ژاکوب کارلسو پترسن افسر سوار ارتش سوئد بودند که پس از امضای قراردادشان با سفیر ایران در پاریس، عازم تهران شدند. شالوده اصلی ژاندارمری دولتی بر ژاندارمری خزانه پایه‌گذاری شد که پیشتر شوستر برای وصول مالیات‌ها ایجاد کرده بود (نوروزی فرسنگی، ۱۳۸۵، ص ۹۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یالمارسون سوئدی اولین ساختار مدرن ژاندارمری را به شکل زیر طراحی کرد:



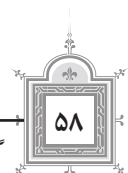
شکل ۲

اولین ساختار مدرن ژاندارمری در
دوره قاجار (برگرفته از: قائم مقامی،
۱۳۵۵، ص ۱۴۰).

از مهم ترین مشکلات دولت ایران پس از تشکیل ژاندارمری تأمین هزینه های فراوان تجهیزات و حقوق نیروهای آن بود. در سال ۱۳۲۹ ق/۱۲۹۰ ش دولت لایحه ای تصویب کرد و به موجب آن مبلغ ۵۸۳٬۷۳۰ قران در راستای استخدام بیست صاحب منصب سوئدی به وزارت جنگ پرداخت کرد (استادوخ، کارتن ۳۳، پرونده ۲۳). افسران سوئدی با وجود اینکه تعدادشان از پنجاه نفر تجاوز نمی کرد، در تمام درگیری های نظامی شرکت می کردند و حتی چند نفر از آن ها نیز در راه انجام وظیفه کشته شدند. سوئدی ها در مدت کمتر از پنج سال هشت هزار افسر و درجه دار برای ژاندارمری ایران تربیت کردند. انضباط نظامی سوئدی ها به گونه ای بود که به جرئت می توان گفت نیروهای نظامی ایران کمتر مستشارانی را با این پایه از وظیفه شناسی و دلسوزی به خدمت گرفته است (یکرنگیان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶). تشکیلات ژاندارمری در بین مردم و نخبگان شهری اعتبار و ویژه های

داشت. این محبوبیت دلایل چندی داشت؛ از جمله اینکه افسران و مرئیان سوئدی مأمور کشوری بودند که برخلاف روس‌ها و انگلیسی‌ها مطامع استعماری در ایران نداشت. آنان در گزینش داوطلبان دقت فراوانی به خرج می‌دادند و با استخدام افراد قادر به خواندن و نوشتن و نیز کوشش در تربیت صحیح آنان به‌زودی نیروهای نظامی‌ای تدارک دیدند که با داشتن سواد، شجاعت، وطن‌پرستی و انضباط از دیگران متمایز شدند. این تشکیلات که با تصویب مجلس ایجاد شده بود، از مشروعیت قانونی برخوردار بود و برخلاف نیروی قزاق که عمده‌ترین قوای نظامی ایران بود، به دولتی استعماری وابستگی نداشت (پیری، ۱۳۹۴، ص ۳۲). ژاندارمری دولتی ایران که برای مواجهه با گروه‌های غارت‌گر در جاده‌های اصلی، به‌ویژه در مسیر بوشهر- شیراز- اصفهان تشکیل شده بود، با وجود موفقیت‌های چشمگیری که در تأمین منافع ملی انجام داد ولی نتوانست آن‌طور که انتظار می‌رفت، موفق باشد. افسران سوئدی با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. ناآگاهی از اوضاع کشور ایران و همراهی نکردن دولت مرکزی برای تأمین حقوق و تجهیزات آنان و نیز وجود رشوه و اختلاس در تشکیلات ژاندارمری و مخالفت و کارشکنی دولت‌های روس و انگلیس موجب ناکامی آنان شد. دولت انگلیس نیز وقتی فهمید نیروهای ایرانی ژاندارمری قصد دارند از این تشکیلات خارج شوند، چون این نیرو به‌گونه‌ای که انگلیس انتظار داشت، منافعی را در جنوب ایران برآورده نمی‌کرد، درصدد برآمد تا نقشه‌ای را اجرا کند که هم بتواند از افسران ایرانی جدا شده از ژاندارمری استفاده کند و هم منافع بازرگانی و سیاسی‌اش را در جنوب ایران تأمین کند. تعدادی از دولت‌مردان انگلیسی معتقد بودند ژاندارمری نباید از میان برود و دلیل آن را وجود قبایل راهزن در سیستان و بلوچستان و نواحی جنوب می‌دانستند. این طرح در قالب ایجاد پلیس جنوب ایران^۱ به‌اجرا درآمد. دولت‌های روس و انگلیس توافق کردند که امنیت داخلی ایران که تا آن زمان تنها برعهده نیروی قزاق و ژاندارمری بود، در شمال به نیروی قزاق و در جنوب به قوایی یازده‌هزار نفری از نیروهای ژاندارمری ایرانی با فرماندهی افسران انگلیسی و هندی واگذار شود. برای تأمین هزینه این نظامیان نیز بین لندن و پتروگراد توافق شد که وجوهی به‌طور مساعده در اختیار دولت ایران قرار گیرد و زیر نظارت کمیسیون خاصی مرکب از نمایندگان ایرانی، بلژیکی، روسی و انگلیسی به مصرف سربازگیری و نگهداری قوا و بعضی امور دیگر برسد (احرار، ۱۳۵۲، ص ۶۶). در اثر پیگیری‌های دولت انگلیس، سرانجام پلیس جنوب جایگزین ژاندارمری در مناطق جنوبی ایران شد. پلیس جنوب با وجود قتل و غارت‌هایی که انجام داد نتوانست بیش از چند سال در برابر مقاومت و حماسه‌آفرینی‌های مردم جنوب ایران دوام بیاورد و در نهایت در سال ۱۳۴۰/ق ۱۳۰۱ش منحل شد (راضی، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

I. S.P.R



در پی مخالفت مردم ایران با قرارداد مالی-نظامی ۱۹۱۹م دولت انگلیس تمامی امکانات مادی و معنوی خود را برای تأسیس قشون متحدالشکل به کار انداخت. ادغام واحدهای ژاندارمری در وزارت جنگ که تا قبل از این به آن وزارتخانه وابسته بودند، نخستین گام در جهت تحقق این برنامه به شمار می‌رفت (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱). از طرفی قیام افسرانی مانند لاهوتی در آذربایجان و کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان که هر دو از متفذان ژاندارمری بودند، سرانجام به نفع سردار سپه خاتمه یافت. به گونه‌ای که او از این قیام‌ها به عنوان حربه‌ای برای بدنام کردن ژاندارمری و برانگیختن حس بدبینی به آن استفاده کرد و موجبات ادغام ژاندارمری در قوای قزاق را فراهم کرد. تشکیلات ژاندارمری به صورت نیمه‌مستقل تا زمستان سال ۱۳۰۰ش به حیات خود ادامه داد و در این سال به کلی منحل شد و قوای مختلف و رنگارنگ ایران یکدست شد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۹۲). بدین ترتیب ژاندارمری دولتی رسماً منحل شد و ارتش نوین متحدالشکل صورت عملی به خود گرفت. سردار سپه نیز در ۱۵ آذر ۱۳۰۰ش / ۱۳۴۰ق سرهنگ گلوپ سرپرست ژاندارمری را از کار برکنار کرد و سرهنگ عزیزالله خان ضرغامی فرمانده فوج یک ژاندارمری یوسف‌آباد را به کفالت آن منصوب کرد. نفرت و افسران ژاندارم هم تا ۱۷ دی ۱۳۰۰ش / ۱۳۴۰ق به وزارت جنگ منتقل شدند (پیری، ۱۳۹۴، ص ۴۴). با ایجاد ارتش متحدالشکل به دست رضاخان، سرانجام تمامی نیروهای رنگارنگ نظامی مشغول در کشور و از جمله ژاندارمری جذب این ارتش شدند. از این زمان به بعد تشکیلات نظامی ایران بر شالوده دیگری قرار گرفت و ساختاری متفاوت پدید آمد و امور انتظامی کشور وارد مرحله‌ای نوین شد (پیری، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

۶. نتیجه‌گیری

در عصر قاجار ساختار، نیروهای انتظامی هم به عنوان نمادی از دنیای نوین، تحولی نسبی پیدا کرد. پادشاهان قاجار به‌ویژه از دوره ناصرالدین شاه برای تثبیت حکومت از قوای انتظامی سود می‌جستند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و سندپژوهی میزان و نحوه تحولات در ساختار قوای انتظامی عصر قاجار بررسی شد.

طبق اسناد تاریخی، نیروی انتظامی در ابتدای دوره قاجار مستقل نبوده و جزئی از نهادهای نظامی بوده است. نیروی نظامی ایران پس از شکست کشور در سلسله جنگ‌های ایران و روس به سمت مدرنیزاسیون و توسعه سوق پیدا کرد و نخبگانی چون عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپه‌سالار و... به این روند سرعت بیشتری بخشیدند. در این فضا توجه به نوسازی نهادهای انتظامی و توسعه آن نیز اهمیتی فوق‌العاده پیدا کرد؛ چراکه

امنیت عمومی و حفظ و حراست از مال، جان و ناموس شهروندان به یکی از اولویت‌های نظام‌های سیاسی بدل شد؛ هرچند در اجرای آن کاستی‌های فراوانی وجود داشت. تأسیس نظمی و ژاندارمری و توجه بیش از پیش به آموزش‌های نوین انتظامی به تأسی از ساختارهای مدرن و غربی پلیس و توسط افسران سوئدی، روس و انگلیسی در ایران پایه‌گذاری شد. مدرن‌سازی نیروهای انتظامی در ایران در راستای عبور از دوران سنت و ورود به دوران مدرنیته بود و در سال‌های بعد بیشتر گسترش یافت.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۰۰۰۰۳-۰۰۱۶۷۹-۰۰۰۲۹۳۱؛ ۰۰۰۲-۰۰۶۵۴۹-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۳-۰۰۱۱۷۹-۰۰۰۲۹۰؛ ۰۰۰۸۱-۰۰۳۱۶۲-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۰۴-۰۰۰۶۹۹۰-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۲۰-۰۰۲۵۳۲-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۵-۰۰۵۸۷۸-۰۰۰۲۹۰؛ ۰۰۰۲۴-۰۰۶۵۴۹-۰۰۰۲۹۳؛ ۰۰۰۳-۰۰۰۴۹۶۲-۰۰۰۲۹۰.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ): کارتن ۳۳، پرونده ۲۳.

کتاب

احرار، احمد. (۱۳۵۲). *توفان در ایران*. تهران: نوین.

افتخارزاده، یحیی. (۱۳۷۷). *نظمیه در دوره پهلوی*. تهران: اشکان.

بروگش، هینریش. (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحب‌قران*. (مهندس حسین کردبچه، مترجم). تهران: اطلاعات.

تهرانی شفق، اکبر. (۱۳۸۸). *نیروی انتظامی سه‌هزارساله ایران*. تهران: بوستان.

حکیمی، محمود. (۱۳۷۴). داستان‌هایی از عصر ناصرالدین‌شاه، چاپ هشتم، تهران انتشارات قلم.

دوبد، کلمنت اوگاستس. (بارن دوبد). (۱۳۸۸). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. (محمدحسین آریا، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.

راضی، منیره. (۱۳۸۱). پلیس جنوب ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سالور، سبکتکین. (۱۳۵۵). *پلیس ایران*. تهران: شهربانی کل کشور.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی. (۱۳۶۲). *نظم و نظمیه در دوران قاجاریه*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).

شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.

شوستر، مورگان. (۱۳۶۵). *اختناق ایران*. تهران: جاویدان.

ظل السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۶۲). *تاریخ مسعودی*. تهران: یساولی (فرهنگ‌سرا).

علی بابایی، غلام‌رضا. (۱۳۸۲). *تاریخ ارتش ایران از هخامنشی تا عصر پهلوی*. تهران: آشنیان.



- فلور، ویلم. (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. (ج ۱). (ابوالقاسم سری، مترجم). تهران: توس.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۵). *تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی ترین ایام تا عصر حاضر*. تهران: ژاندارمری کل کشور، اداره روابط عمومی.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۴). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۳). *رضاشاه و شکل گیری ایران نوین*. (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: جامی.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. (ج ۲، ج ۳، ج ۴). (ج ۸). تهران: امیرکبیر.
- ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی. (۱۳۸۴). *تاریخ بیداری ایرانیان*. (ج ۷). (علی اکبر سعیدی سیرجانی، کوشش گر). تهران: امیرکبیر.
- نخجوان، محمد. (امیر موق). (۱۳۵۴). *تاریخ ارتش شاهنشاهی ایران*. تهران: ارتش.
- نوروزی فرسنگی، احمد. (۱۳۸۵). *ارتش در تاریخ و انقلاب اسلامی*. تهران: زهد.
- ورهرام، غلامرضا. (۱۳۶۸). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*. تهران: معین.
- یکرنگیان، میرحسین. (۱۳۸۴). *سیری در تاریخ ارتش ایران: از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰*. تهران: خجسته.

مقاله

- اشراقی، احسان. (۱۳۶۸). «پلیس عهد ناصری». *گنجینه اسناد*، دفتر دوم.
- پیری، محمد. (۱۳۹۴). «دگرگونی در ساختار نیروهای نظامی پس از مشروطه و زمینه گیری ارتش نوین ایران». فصل نامه علمی-ترویجی *مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۴.
- ثواقب، جهان بخش؛ هادی، معصومه. (۱۳۹۴). «بررسی تشکیلات انتظامی ایران و روند تغییرات آن در دوره قاجار». فصل نامه علمی-ترویجی *مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۴.
- ثواقب، جهان بخش؛ معظمی گودرزی، سودابه. (۱۳۹۴). «اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها». پژوهش نامه *تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، سال چهارم، شماره دوم، (پیاپی ۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- خسروبیگی، هوشنگ. (۱۳۸۱). «مقدمه ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۳۶۴-۱۳۸۰ق)». *نامه انجمن*، ش ۶، تابستان.
- کریمیان، علی. (۱۳۹۵). *نظمیه تهران در عصر ناصر ی (به ریاست کنت دمونت فورث)*، فصلنامه آرشیو ملی. سال دوم. شماره اول. شماره ۵. صص ۵۸-۷۲.
- کیان فر، جمشید. (۱۳۸۹). «ساختار تشکیلات حکومتی شهر تهران در نظام سنتی». *مجله فرهنگ مردم*، ش ۳۵ و ۳۶.

English Translation of References

Documents

Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh(Estādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs): Box 33, Folder 23.[Persian]

Sākmā(Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān) (National Library and Archives of Iran):

293-001679-0003; 293-006549-002; 290-0001179-003; 293-003162-0081; 293-006990-0004; 293-002532-0020; 290-005878-005; 293-006549-0024; 290-004962-003.[Persian]

Books

Ahrar, Ahmad. (1352/1973). *“Tufān dar Irān”* (Storm in Iran). Tehran: Novin.[Persian]

Ali Babayi, Gholamreza. (1382/2002). *“Tārix-e arteš-e Irānazhaxāmanešitā ‘asr-e Pahlavi”* (History of the Iranian army from the Achaemenid era to the Pahlavi era). Tehran: Āšiyān.[Persian]

Brugsch, Heinrich Karl. (1318/1939). *“Safari be darbār-e soltān-e sāheb-qerān”* (My life and my trips). Translated by Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettelā’āt. [Persian]

Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 4). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘ElmiFarhangi. [Persian]

Cronin, Stephanie. (1387/2008). *“Rezāšāh va šeklgiri-ye Irān-e novin”* (The making of modern Iran: State and society under Riza shah 1921 - 1941). Translated by MortezaSaghebfar. Tehran: Jāmi. [Persian]

DeBode, Clement Augustus (Baron DeBode). (1388/2009). *“Safarnāme-ye Lorestān va Xuzestān”* (Travels in Luristan and Arabistan). Translated by Mohammad Hossein Ariya. Tehran: ‘ElmivaFarhangi.[Persian]



- Eftekharzadeh, Yahya. (1377/1998). "Nazmiyedardowre-ye Pahlavi" (Police in Pahlavis epoch). Tehran: Aškān.[Persian]
- Floor, Willem. (1366/1987). "*Jostār-hā-yiazatārix-e ejtemā'ee-ye Irān Jeld-e 8: San'atīšodan-e Irān va šureš-e Šeīx Ahmad Madani*" (Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani) (vol. 1). Translated by Abu Al-Ghasem-Serri. Tehran: Tus. [Persian]
- GhaemMaghami, Jahangir. (1355/1976). "*Tārix-e žāndārmeri-ye Irānazqadimi-tarinayyāmtā 'asr-e hazer*" (The history of Iran's gendarmerie from the earliest days to the present day). Tehran: Žāndārmeri-ye Koll-e Kešvar (Iranian Gendarmerie).[Persian]
- Moeen, Mohammad. (1371/1992). "*Farhang-e Fārsi*" (Persian dictionary) (vols. 2, 3 & 4) (8th ed.). Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- Nakhjavan, Mohammad (Amir Movassagh). (1354/1975). "*Tārix-e arteš-e šāhanšāhi-ye Irān*" (History of the imperial army of Iran). Tehran: Arteš.[Persian]
- Nazem Al-EslamKermani, Mohammad Ibn Ali. (1384/2005). "*Tārix-e bidāri-ye Irāniyān*" (The history of the awakening of Iranians) (7th ed.). Edited by Ali Akbar Sirjani. Tehran: Amir Kabir.[Persian]
- NowrouziFarsangi, Ahmad. (1385/2006). "*Artešdartārix va emqelāb-e eslāmi*" (Army in the history Islamic revolution). Tehran: Zohd.[Persian]
- Salour, Saboktagin. (1355/1976). "*Polis-e Irān*" (Iranian police). Tehran: ŠahrBāni-ye Koll-e Kešvar.[Persian]
- SeifiFamīTafreshi, Morteza. (1362/1983). "*Nazm va nazmiyeh dar dowrān-e Qājāriyeh*" (Order and police in the Qajar era). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā). [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1252/1873). "*Irān dar dowre-ye saltanat-e Qājār*" (Iran during the reign of Qajar). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Shuster, William Morgan. (1365/1986). "*Extenāq-e Irān*" (The strangling of Persia). Tehran: Jāvidān. [Persian]
- Tehrani Shafagh, Akbar. (1388/2009). "*Niru-ye entezāmi-ye se-hezār sale-ye Irān*"

- (Iran's 3,000-year-old police force). Tehran: Bustān.[Persian]
- Varahram, Gholamreza. (1378/2009). *“Tārix-e siyāsivaejtemā’ee-ye Irāndar ‘asr-e Zand”* (The political and social history of Iran in the Zand period). Tehran: Mo’een.[Persian]
- Yekrangian, Mirhossein. (1384/2005). *“Seiridartārix-e arteš-e Irān: Azāqāztāpāyān-e Šahrivar-e 1320”* (Reza Shah and the modern Iranian army). Tehran: Xojasteh. [Persian]
- Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1362/1983). *“Tārix-e Mas’udi”* (Masoudi History). Tehran: Yasāvoli (Farhangsarā).[Persian]

Articles

- Eshraghi, Ehsan. (1368/1989). “Polis-e ‘ahd-e Nāseri” (Police in Naser Al-Din Shah era). *Ganjine-ye Asnād*, 2.[Persian]
- Khosrobeigi, Houshang. (1381/2002). “Moqaddame-ee bar taškīlāt-e edārivanezāmi-ye Irāndaravāyel-e dowre-ye Qājār (1364 – 1380 AH)” (An introduction to the administrative and military organizations of Iran in the early Qajar period (1364-1380 AH / 1785 to 1826)). *Name-ye Anjoman*, 6, Summer.[Persian]
- Kianfar, Jamshid. (1389/2010). “Sāxtār-e taškīlāt-e hokumati-ye šahr-e Tehrāndarnežām-e sonnati” (Structure of the government organizations of Tehran city in the traditional system). *Majalle-ye Farhang-e Mardom*, 35 & 36.[Persian]
- Piri, Mohammad. (1394/2015). “Degargunidarsāxtār-e niru-hā-ye nezāmi pas azmašrutehvazamine-giri-ye arteš-e novin-e Irān” (Transformation in the structure of the post-constitutional military forces and the grounding of the new Iranian army). *Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Tarviji-ye Motāle’āt-e Tārix-e Entezāmi* (Journal of Police Historical Studies), 5, Summer 1394/2015.[Persian]
- Savagheb, Jahanbakhsh; & Hadi, Masoumeh. (1394/2015). “Barresi-ye taškīlāt-e entezāmi-ye Irānvaravand-e taqyirāt-e āndardowre-ye Qājār” (Investigation of Iran's police organization and its changes during the Qajar period). *Fasl-nāme-ye ‘Elmi-Tarviji-ye Motāle’āt-e Tārix-e Entezāmi* (Journal of Police Historical

Studies), 4, Spring 1394/2015.[Persian]

Savagheb, Jahanbakhsh; & Moazzami Goudarzi, Soudabeh. (1394/2015). "Eqdāmāt-e Qājār-hādarbarqarāri-ye amniyat-e ejtemāee-ye šahr-hā" (Measures taken by Qajars to establish social peace and security in cities). *Pažuheš-nāme-ye Tārix-e Ejtemā'eva Eqtesādi* (EcoSocial History studies), 4(2), series no. 8, Fall 1394/2015, & Winter 1394/2016.[Persian]

Vezaei, Ali. (1383/2004). "Polis-e jonubvamobārezā-e mosalmānān-e jonub-e Irān 'alayh-e este'mār-e Engelis" (Southern police and the struggles of Muslims in southern Iran against British colonialism). Tehran: *Našriye-ye Jomhuri-ye Eslāmi*. [Persian]

